

بررسی راهبردهای رعایت ادب در گفت‌وگوهای کلاس درس از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی

زهرا مومنی^۱، فاطمه علوی^{۲*}، نغمه حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

Investigating Politeness Strategies in Classroom Conversations from the Perspective of Sociolinguistics

Zahra Momeni¹, Fatemeh Alavi^{2*}, Naghmeh Hosseini³

1. Ph.D. Candidate of Linguistics, Boushehr Branch, Islamic Azad University, Boushehr, Iran

2. Assistant Professor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of Linguistics, Boushehr Branch, Islamic Azad University, Boushehr, Iran

Received: 2023/02/07

Accepted: 2023/09/12

10.30473/il.2024.66993.1586

Abstract

Creating an effective language communication requires mastery of verbal and non-verbal skills. One of these verbal skills is politeness in social interactions. The current research has investigated the ways of observing politeness in classroom conversations based on Brown and Levinson's (1987) theory of politeness. The data of the study were collected during several meetings that were held in some educational institutions in Bushehr including Azad and Payame Noor universities. The results indicate that negative politeness strategies have been used almost twice as much as positive politeness strategies, and in some cases positive politeness strategies have been used along with negative politeness. The highest frequency of negative politeness belonged to the four strategies "be conventionally indirect", "question, hedge", "give deference", and "apologize", and "notice, attend to the interests, wants, and needs of H", "exaggerate", "seeking agreement" and "give reasons" had the highest frequency of positive politeness. Examining the components of politeness in classroom discourse is effective in identifying this discourse as an academic discourse. In addition, these findings can be used in teaching foreign languages, which requires a comparative comparison of cultures and traditions.

Keywords: Politeness, Negative Politeness, Positive Politeness, Social Relations, Classroom Discourse, Sociolinguistics.

چکیده

ایجاد یک ارتباط زبانی مؤثر مستلزم تسلط بر مهارت‌های کلامی و غیرکلامی است. یکی از این مهارت‌های کلامی رعایت ادب در تعاملات اجتماعی است. تحقیق حاضر شیوه‌های رعایت ادب در گفتگوهای کلاس درس را بر اساس نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) مورد بررسی قرار داده است. داده‌های پژوهش حاضر طی جلسات متعددی که در برخی مؤسسات آموزشی در شهر بوشهر از جمله دانشگاه‌های آزاد و پیام نور برگزار گردید جمع‌آوری شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که در مجموع، راهبردهای ادب سلبی تقریباً دو برابر راهبردهای ادب ایجابی به کار رفته‌اند و در برخی موارد راهبردهای ادب ایجابی همراه با ادب سلبی بوده‌اند. بیشترین بسامد ادب سلبی متعلق به چهار راهبرد «بیان غیرمستقیم متعارف»، «سؤال/نشانگر احتیاط»، «احترام گذاشتن» و «عذرخواهی» بود و «توجه به علایق، خواسته‌ها و نیازهای مخاطب»، «اغراق»، «جستن توافق» و «ارائه دلیل» بیشترین بسامد ادب ایجابی را داشتند. بررسی مؤلفه‌های ادب‌مندی در کلاس درس در شناساندن گفتمان کلاسی به عنوان گفتمانی دانشگاهی مؤثر است. بعلاوه، این یافته‌ها می‌توانند در آموزش زبان‌های خارجی نیز، که مستلزم مقایسه تطبیقی فرهنگ‌ها و سنت‌ها است، مورد استفاده واقع شوند.

کلیدواژه‌ها: ادب، ادب سلبی، ادب ایجابی، روابط اجتماعی، گفت‌وگوهای کلاس درس، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Fatemeh Alavi

Email: falavi76@gmail.com

* نویسنده مسئول: فاطمه علوی

مقدمه

پدیده ادب به عنوان کار اجتماعی^{۲۰} معتقدند که پدیده ادب را نمی‌توان تنها در صورت‌های رفتاری یا دستوری خاصی یافت، بلکه این پدیده را باید با ارزیابی صورت‌های رفتار اجتماعی بررسی نمود. بافت رسمی کلاس درس یکی از بافت‌هایی است که موضوع ادب در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گفتمان کلاس درس شامل دو نوع تعامل است: تعامل بین استاد/معلم و دانشجو/یادمان/دانش آموزان و تعامل بین خود دانشجو/یادمان یا فراگیران. در نوع اول علاوه بر فاصله اجتماعی بین افراد، عامل قدرت نیز به طور برجسته بر روابط گفتمانی تأثیر می‌گذارد. هدف پژوهش حاضر بررسی زبان‌شناختی شیوه‌های رعایت ادب در فارسی رسمی در گفتگوهای کلاس درس بر مبنای نظریهٔ براون و لوینسون (۱۹۸۷) است. پژوهش حاضر بر بیان این مسأله تأکید دارد که چه عناصری از پدیده ادب^{۲۱}، در گفتگوهای کلاس‌های درس استفاده می‌شوند. جهت نیل به این هدف سؤالات زیر مطرح می‌شوند.

۱. ادب چگونه در گفتگوهای کلاس‌های درس تبلور می‌یابد؟
۲. کدام یک از راهبردهای رعایت ادب در گفتگوهای کلاس‌های درس بیشتر استفاده می‌شود؟

با توجه به اهداف و پرسش‌های مطرح شده در پژوهش حاضر، روش تحقیق در بررسی داده‌ها کیفی بوده و از طریق تحلیل گفتمان و در چارچوب نظریهٔ ادب براون و لوینسون (همان) صورت گرفته است. از آنجا که پژوهشگران ساکن شهر بوشهر بوده‌اند، داده‌های پژوهش مورد بحث از چند جلسه کلاسی در چند مؤسسه آموزشی و برخی دانشگاه‌ها در بوشهر گردآوری شد. شرکت کنندگان در این کلاس‌ها همگی، از مدرسان مؤسسات آموزشی و دانشجو/یادمان مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها بوده‌اند. هر جلسه به مدت یک ساعت و نیم برگزار گردید و تمامی مکالمات ضبط شدند. محتوای فایل‌های صوتی که حدوداً دوازده ساعت بود نوشته و سپس به دقت بررسی شدند و از دوازده ساعت، حدوداً شش ساعت آن که به موضوع تحقیق حاضر مربوط می‌شد جهت تحلیل انتخاب گردید. داده‌ها به دقت مطالعه شدند و ابتدا، کار تشخیص کنش گفتاری بر روی آن‌ها انجام گرفت. پس از تشخیص و کدگذاری کنش‌های گفتاری، تطبیق این کنش‌ها با راهبردهای معرفی شده در مدل براون و لوینسون (همان) انجام شد. نکتهٔ مشاهده شده بسیار مهم در این تحقیق این است که در برخی

قسمت اعظمی از زندگی اجتماعی ما از طریق ارتباطات کلامی رقم می‌خورد. این ارتباطات کلامی در بستر زبان بوجود می‌آیند. برقراری یک ارتباط موفق در یک زبان نه تنها مستلزم توانش زبانی^۱ است، بلکه نیازمند برخورداری از توانش ارتباطی^۲ نیز هست. چامسکی^۳ (۱۹۸۰) توانش زبانی را به دو گروه توانش دستوری^۴ و توانش کاربرد شناختی^۵ تقسیم کرده است. هایمز^۶ (۱۹۶۷) نیز توانش دیگری به نام توانش ارتباطی را معرفی کرده است. منظور از توانش ارتباطی داشتن توانایی‌ای است که برقراری ارتباط مؤثر با دیگران را فراهم می‌سازد و منظور از توانش کاربردشناختی، توانایی به‌کاربردن زبان در موقعیت‌های مختلف است. توانش کاربردشناختی بنا بر نظر باخمن^۷، (۱۹۹۰)، یکی از مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر توانش ارتباطی است.

کسب توانش ارتباطی که از بکارگیری تمامی شیوه‌های کلامی^۸ و غیرکلامی^۹ برای ایجاد یک ارتباط زبانی مؤثر بوجود می‌آید، مستلزم تسلط بر مهارت‌های کلامی و غیرکلامی است. یکی از مهارت‌های کلامی رعایت ادب^{۱۰} در کلام است. اهمیت و ضرورت رعایت ادب در روابط اجتماعی به‌حدی است که براون^{۱۱} (۲۰۱۵) پدیده ادب نقش قلب تعامل را در روابط اجتماعی دارد. براون و لوینسون^{۱۲} (۱۹۸۷) ادب را توجه به وجهه^{۱۳} گوینده و مخاطب می‌دانند. لوخر^{۱۴} و واتس^{۱۵} (۲۰۰۵) ادب را پدیده‌ای گفتمان‌مدار می‌دانند که برگرفته از قضاوت و درک افراد از گفتمان خودشان و دیگران است. از نظر آن‌ها رفتار مؤدبانه^{۱۶} پدیده‌ای نسبی است زیرا تشخیص اینکه رفتاری مؤدبانه یا غیرمؤدبانه^{۱۷} است به بافتی که آن رفتار در آن روی می‌دهد مربوط می‌شود.

کدر^{۱۸} و ها^{۱۹} (به نقل از ایزدی، ۲۰۱۵) نیز ضمن بیان

1. linguistic competence
2. communicative competence
3. N. Chomsky
4. grammatical competence
5. pragmatic competence
6. D. H. Hymes
7. L. F. Bachman
8. verbal
9. non-verbal
10. politeness
11. P. Brown
12. Levinson
13. face
14. M. Locher
15. R. J. Watts
16. polite
17. impolite
18. D. Z. Kadar
19. M. Haugh

20. social practice

تبعیت از گافمن^۵ (۱۹۶۷) «خودانگاره عمومی‌ای که هر عضو جامعه برای خود قائل است» تعریف نمودند. براون و لوینسون (۱۹۸۷: ۶۱)، برای هر فرد دو نوع وجهه قائل شدند: وجهه ایجابی^۶ و وجهه سلبی^۷. منظور از وجهه سلبی، میل فرد به آزادی عمل در اجتماع و بیزاری از تحمیل، و منظور از وجهه ایجابی، میل فرد به تأیید شدن، دوست داشته شدن و پذیرفته شدن به عنوان عضوی از گروه و جامعه است گاهی افراد در تعاملات روزمره بطور طبیعی کنش‌هایی را انجام می‌دهند که وجهه دیگران را مورد تهدید قرار می‌دهد. این گونه کنش‌ها، کنش‌های تهدیدگر وجهه^۸ نامیده می‌شوند. کنش‌های تهدیدگر وجهه ممکن است وجهه سلبی یا وجهه ایجابی یا هر دو وجهه را مورد تهدید قرار دهند. هر زبانی مجموعه‌ای از راهبردها را در اختیار سخنگویان خود قرار می‌دهد که سخنگو می‌تواند به منظور رعایت ادب و کاهش میزان تهدید وجهه از آن‌ها استفاده کند. در مدل براون و لوینسون (همان)، ادب عبارت است از توجه به وجهه شونده و به کارگیری راهبردهایی به منظور کاهش میزان تهدید آن. این راهبردها می‌توانند از دو طریق انجام شوند: ۱. وجهه سلبی مخاطب، ۲. وجهه ایجابی مخاطب. راهبردهایی که به منظور حفظ وجهه سلبی انجام می‌گیرد، «ادب سلبی^۹» نامیده می‌شوند. در مقابل، رفتارهایی که با هدف حفظ وجهه ایجابی صورت می‌گیرد، «ادب ایجابی^{۱۰}» نامیده می‌شوند. آن‌ها (همان: ۱۰۱)، سپس ۱۵ راهبرد زبانی-کاربردشناختی بعنوان ادب ایجابی و ۱۰ راهبرد زبانی-کاربردشناختی را بعنوان ادب سلبی برشمردند. این راهبردها در قسمت مابانی نظری ذکر شده‌اند. سه عامل فاصله اجتماعی، قدرت و درجه تحمیل، نقش تعیین‌کننده‌ای در محاسبه میزان تهدید احتمالی وجهه مخاطب، گوینده و یا هردو دارند.

پژوهش‌های بعدی در زمینه ادب، بخشی از مفاهیم مطرح شده در نظریه براون و لوینسون را زیر سؤال بردند. مثلاً، لوخر و واتس (۲۰۰۵) ادب را باز تعریف نموده و آن را نه تلاشی در جهت حفظ وجهه، بلکه ارزشیابی شخصی رفتار یک فرد توسط فرد دیگر عنوان کردند. کدر و ها (۲۰۱۳) معتقدند که واژه ادب را می‌توان در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف به صورت‌های متفاوتی بیان کرد. به عنوان مثال

موارد، پاره گفتارها به صورت دوپهلوی و دو سویه، همزمان نشانگر ادب ایجابی و ادب سلبی بودند.

با وجود تحقیقات ارزنده‌ای که در زمینه نظریه ادب در زبان فارسی انجام گرفته است، (صحراگرد، ۲۰۰۰؛ کشاورز، ۲۰۰۱؛ یارمحمدی، ۲۰۰۳؛ افقری، ۲۰۰۷؛ شریفیان، ۲۰۰۸؛ سلمانی ندوشن، ۲۰۰۸؛ امانی و همکاران، ۲۰۱۴؛ علی‌اکبری و معلمی، ۲۰۱۵؛ صادق اوغلی و نیرومند، ۲۰۱۶؛ ایزدی، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۸، ۱۳۹۸ رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ جاوید و رحیمیان، ۱۳۹۸؛ مسیب زاده مقدم و همکاران، ۱۳۹۸؛ آذر پرنده، ۱۳۹۸؛ آهنگر و همکاران، ۱۳۹۹) تا آنجا که مطلعیم پژوهشی در باب ادب در گفتمان کلاس درس در زبان فارسی انجام نشده است. از این‌رو پژوهش حاضر تلاشی در جهت روشن نمودن ابعاد بیشتری از گفتمان کلاس درس و پدیده ادب محسوب می‌شود. در راستای نیل به اهداف تحقیق، ابتدا با مروری بر نظریات مطرح شده در حوزه ادب و انطباق آن‌ها با فرهنگ و زبان فارسی چارچوب نظری پژوهش را تبیین می‌کنیم و سپس به تناسب موضوع مقاله، پیشینه تحقیقات تجربی ادب در زبان فارسی را ارائه می‌دهیم. در بخش روش تحقیق، داده‌ها و بافت تحقیق را معرفی نموده، سپس در بخش بعد نتایج تحلیل داده‌ها را ارائه می‌دهیم. در پایان، نتیجه‌گیری تحقیق ارائه می‌شود.

پیشینه نظری تحقیق

هر چند سرآغاز مطالعات ادب در کاربردشناسی زبان به گرایس^۱ (۱۹۸۹) و سرل^۲ (۱۹۷۵) و در تلاش آن‌ها جهت توجیه کنش‌های گفتاری غیرمستقیم^۳ برمی‌گردد، ادب برای اولین بار به صورت فراگیر در سال ۱۹۷۸ و سپس طی اصلاحاتی در سال ۱۹۸۷ توسط براون و لوینسون تدوین گردید و بعنوان پدیده‌ای جهانشمول در همه زبان‌ها و فرهنگ‌ها شناخته شد. طبق نظر آن‌ها پدیده ادب به طور جهانی ابزاری برای کاهش تهدید وجهه^۴ بکار می‌رود. به این معنی که همه زبان‌های دنیا ابزارهایی برای بیان آن دارند اما این ابزارها با توجه به نوع ساختار زبانی متفاوتند. براون و لوینسون نظریه ادب خود را بر دو مفهوم وجهه و کنش گفتاری استوار می‌سازند. آن‌ها (همان: ۶۱) وجهه را، به

5. E. Goffman
6. positive face
7. negative face
8. face threatening act
9. negative politeness
10. positive politeness

1. H. P. Grice
2. J. R. Searl
3. indirect speech acts
4. face threatening

می‌توان گفت این نتایج با نتایج پژوهش ایزدی (۲۰۱۳) همسو است. باغبانی و کرم‌پور (۱۳۹۶) با استفاده از راهبردهای ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) به بررسی و توصیف نقش ادب و رابطه بین ابزار قدرت و پدیده ادب در چند جلسه بازجویی بین پلیس و متهم پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش که بر روی ۱۱ متن بازجویی موجود در دادسرای عمومی و انقلاب استان بوشهر انجام پذیرفت، نشان داد که میان اصل ادب و قدرت ارتباط وجود دارد و فردی که از قدرت بیشتری برخوردار است نسبت به فرد ضعیف‌تر از راهبردهای ادب کمتری استفاده می‌کند. این نتایج با نتایج پژوهش حاضر مغایر است زیرا در پژوهش حاضر، استاد که از قدرت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردار است، از راهبردهای ادب کمتری استفاده نمی‌کند. حسینی (۱۳۸۸) نشانگرهای زبانی ادب را از نظر نوع نشانگر و براساس رابطه نسبی قدرت بین افراد مخالفت‌کننده و مخالفت‌شونده در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) در هشت جلسه دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که عامل قدرت بر نوع و بسامد بکارگیری نشانگرهای زبانی ادب در بیان مخالفت مؤثر است. نتایج پژوهش حسینی (۱۳۸۸) با نتایج باغبانی و کرم‌پور (۱۳۹۶) از این جهت همسو است که هر دو پژوهش عامل قدرت را بسیار تأثیرگذار برشمرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که افراد قدرتمندتر در تعامل با افراد کم‌قدرت از تعداد مخالفت و ابزارهای تشدید مخالفت بیشتری استفاده نموده‌اند، اما نتایج هر دو پژوهش با نتایج پژوهش حاضر از نظر عامل قدرت متفاوت است. از طرف دیگر در پژوهش حسینی (۱۳۸۸) دانشجویان در جلسه دفاع از پایان‌نامه از راهبردهای ادب ایجابی بسیار کمتر استفاده نموده‌اند که این نتایج مشابه نتایج پژوهش حاضر است. به طور کلی تحقیقات نشان می‌دهند که در بافت‌های رسمی، بسامد راهبردهای ادب سلبی بیش از ایجابی است.

دانش و طوسی نصرآبادی (۱۴۰۰) بازنمود ادب زبانی در قابوسنامه را با استفاده از نظریه ادب براون و لوینسون بررسی کرده‌اند. یافته‌های این مقاله نشان داد که در قابوسنامه ادب به صورت پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی مفهوم سازی شده که حاصل تعامل سازنده افراد و دارای ابعاد فکری، بیانی و رفتاری است. نتایج پژوهش دانش و طوسی نصرآبادی با نتایج پژوهش حاضر از نظر بسامد استفاده از ادب سلبی همسو است. یافته‌های مقاله مذکور ادب را بعنوان یک پدیده

استفاده از واژه «لطفاً» یا «متشکرم» در بسیاری از گونه‌های زبان انگلیسی نشانگر رعایت ادب در این زبان است. در عین حال مؤدب بودن را نمی‌توان در یک شکل دستوری یا رفتاری خاص جستجو کرد بلکه باید آن را با ارزیابی معانی و تعاملات اجتماعی بررسی نمود. ترکورافی^۱ (۲۰۱۱) طی بررسی دقیقی که از تاریخچه پدیده ادب در فرهنگ‌های مختلف انجام داد به این نتیجه رسیده که پدیده ادب دارای برخی اولویت‌ها است که نقش ویژه‌ای در جامعه داشته و رابطه خیلی نزدیکی با اخلاقیات آن جامعه دارد.

شناخت، مطالعه و پژوهش در رابطه با جایگاه ادب در جامعه می‌تواند اطلاعاتی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی افراد و نحوه رعایت ادب در جامعه را نشان دهد. مطالعه در زمینه رعایت مؤلفه‌های ادب در زبان فارسی براساس نظریه و مدل براون و لوینسون (۱۹۸۷) انجام می‌شود. این مدل دو بعدی است و صرفاً رابطه گوینده و شنونده را در نظر می‌گیرد. این پژوهش نیز مؤلفه‌های رعایت ادب را در چارچوبی دو بعدی شامل گوینده و شنونده در محیط رسمی کلاس درس بررسی می‌کند که با واقعیت تعاملات فردی و اجتماعی در زبان فارسی انطباق بیشتری دارد.

پیشینه تحقیقات تجربی در گفتمان‌های سازمانی در زبان فارسی

هر چند تحقیقات صورت گرفته در حوزه ادب با استفاده از مدل براون و لوینسون (همان) بسیار هستند، اما در این مقاله به چند مورد که ارتباط بیشتری با موضوع تحقیق حاضر دارند اشاره می‌شود. از میان تحقیقات انجام شده، آن‌هایی که در بافت حرفه‌ای به‌ویژه در بافت رسمی دانشگاهی انجام شده‌اند به علت مشابهت با بافت تحقیق حاضر حائز اهمیتند.

ایزدی (۲۰۱۳) طی تحقیقی، راهبردهای ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) را در چند جلسه دفاعیه در دانشگاه‌های ایران بررسی نمود. نتایج این پژوهش نشان داد که از ده راهبرد ادب سلبی براون و لوینسون، چهار راهبرد (احترام گذاشتن، استفاده از تعدیلگرها، بیان غیر مستقیم، و شخصی‌زدایی گوینده و شنونده) بیشترین بسامد را داشته‌اند. از آنجا که در پژوهش حاضر از ده راهبرد ادب سلبی براون و لوینسون (همان) سه راهبرد «احترام گذاشتن، استفاده از تعدیلگرها، بیان غیر مستقیم» بیشترین بسامد را داشته‌اند،

دو شکل صورت می‌پذیرد: گفت‌وگوی مدرس-مخاطب که معمولاً رسمی است و گفت‌وگوی بین دانش‌آموزان بدون دخالت مدرس در کلاس که معمولاً به صورت غیررسمی است. پژوهش حاضر کاربرد ادب در گفت‌وگوهای جلسات کلاسی را بررسی می‌کند. ضمن اینکه اولویت با مکالمات مدرس - مخاطب بوده است و گفت‌وگوهای شاگرد-شاگرد ضمن بحث پیش آمده و جزء اهداف پژوهش نبوده است. یکی از عواملی که موجب رسمی شدن این جلسات است، اختلاف قدرت اجتماعی^۱ سازمانی بین مدرس و مخاطبین بوده است.

داده‌های پژوهش مورد بحث از چند جلسه کلاس درس در چند مؤسسه آموزشی و برخی دانشگاه‌ها در بوشهر گردآوری شد. شرکت‌کنندگان در این کارگاه‌ها همگی، آقا و خانم، از مدرسان مؤسسات آموزشی و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها بوده‌اند. از آنجا که هدف اصلی این پژوهش بررسی راهبردهای رعایت ادب در فارسی رسمی بوده است، پژوهشگران موضوع مورد بحث را، که به ارزش‌های آموزش زبان مربوط می‌شد، برای شرکت‌کنندگان توضیح دادند. مجموعاً هشت کلاس برگزار گردید و در هر کلاس بین ۱۵ تا ۲۵ نفر آقا و خانم که همگی از مدرسان مؤسسات آموزشی و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد و پیام نور بوشهر و در محدوده سنی بین ۲۰ تا ۳۳ سال بودند، حضور داشتند. هر جلسه به مدت یک ساعت و نیم برگزار گردید و تمامی مکالمات، به وسیله یک میکروفن مارک سونی، ضبط شدند. تمامی شرکت‌کنندگان از این امر مطلع بودند، اما در مورد ماهیت تحقیق اطلاعی نداشتند و فقط می‌دانستند مکالمات جهت انجام تحقیقی در زبان‌شناسی ضبط می‌گردد. سخنران در ابتدای هر جلسه از شرکت‌کنندگان می‌خواست که موضوع خود را در مورد موضوعات مورد بحث به عنوان موافق یا مخالف مشخص کنند. محتوای فایل‌های صوتی که حدوداً دوازده ساعت بود نوشته شدند و مورد بررسی دقیق قرار گرفتند. از دوازده ساعت، حدوداً هشت ساعت آن که به موضوع تحقیق حاضر مربوط می‌شد جهت تحلیل انتخاب گردید. داده‌ها به دقت مطالعه شدند و ابتدا کار تشخیص کنش‌گفتاری بر روی آن‌ها انجام گرفت. پس از تشخیص و کدگذاری کنش‌های گفتاری، تطبیق این کنش‌ها با راهبردهای معرفی شده در مدل انجام گردید. به منظور افزایش پایایی تحلیل، علاوه بر

اجتماعی و فرهنگی که حاصل تعامل سازنده افراد است، معرفی می‌کند و از این نظر نیز با یافته‌های پژوهش حاضر مشابه است.

شاکری (۱۳۹۲) مبانی و راهبردهای رعایت ادب بر اساس متغیر جنسیت در داستان‌های کوتاه فارسی معاصر را توصیف نموده است. داده‌های این پژوهش بر اساس چارچوب نظری پژوهش شامل اصل ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷)، اصل ادب لیچ (۱۹۸۳)، اصل ادب لیکاف (۱۹۷۳) و (۱۹۷۵) و موارد رعایت و نقض ادب است، مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفتند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که زنان و مردان در داستان‌های کوتاه، از راهبردهای حفظ و تهدید وجهه و ادب سلبی و ایجابی و پیش‌توالی‌ها استفاده می‌کنند. پژوهش شاکری (۱۳۹۲) از این جهت که از راهبردهای ادب سلبی و ایجابی استفاده کرده است با پژوهش حاضر همسو است ولی از آنجا که متغیر جنسیت را بررسی نموده است، با پژوهش حاضر متفاوت است. خمیجانی فراهانی و همکاران (۱۴۰۰) نیز به بررسی راهبردهای کلان و خرد ادب در کتاب‌های زبان انگلیسی دوران اول و دوم متوسطه مدارس ایران بر پایه نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که تمامی انواع راهبردهای کلان در کتاب‌ها استفاده شده است اما در میزان استفاده از آن‌ها و راهبردهای خرد مربوطه، تفاوت بسیاری وجود دارد. همچنین مشخص گردید که هر چه سطح کتاب بالاتر می‌رود میزان استفاده از راهبردهای کلان ادب کاهش می‌یابد. بر اساس نتایج این تحقیق، در کل کتاب‌های مورد بررسی، راهبرد «غیر مستقیم بودن» تن‌ها دارای فراوانی ۱۹ و ۱/۴۸ درصد است. این در حالی است که راهبرد «غیر مستقیم بودن» در پژوهش حاضر جزء یکی از سه راهبرد پربسامد است. بنابراین می‌توان گفت که این راهبرد در کتاب‌های زبان انگلیسی مدارس ایران جایگاهی ندارد و مهم‌تر اینکه دلیل استفاده بیشتر از راهبردهای ادب ایجابی در کتاب‌های درسی، موضوعی است که نیاز به بررسی بیشتری دارد.

روش پژوهش

با توجه به اهداف و پرسش‌های مطرح شده در پژوهش حاضر، روش تحقیق در بررسی داده‌ها کیفی بوده و از طریق تحلیل گفتمان و در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون (همان) صورت گرفته است. گفت‌وگو در کلاس‌های درس به

1. social power

ارائه دلیل، و از ده راهبرد ادب سلبی، چهار راهبرد بیان غیر مستقیم متداول، سؤال / نشانگر احتیاط، احترام گذاشتن، و عذرخواهی به ترتیب در تحقیق حاضر بیشترین بسامد را داشته‌اند.

نکته مشاهده شده بسیار مهم در این تحقیق این است که در بعضی از موارد پاره‌گفتارها به صورت دوپهلوی هم نشانگر ادب ایجابی و هم ادب سلبی بودند که در نمونه‌هایی در داده‌های حاضر به آن اشاره شده است.

ادب ایجابی: راهکارهای توجه به نیاز به دیده شدن و مورد تحسین واقع شدن مخاطب

همانطور که در جدول شماره ۲ ذکر شد، چهار راهبرد از میان سایر راهبردهای ادب ایجابی بیشترین بسامد را داشته‌اند. اینک این راهبردها با ذکر مثال تبیین می‌شوند:

۱. توجه به علایق، خواسته‌ها و نیازهای مخاطب

همانگونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، توجه به علایق، خواسته‌ها و نیازهای مخاطب با ۲۴ مورد بیشترین بسامد را داشته است. این راهبرد در لیست پیشنهادی براون و لوینسون نیز در صدر لیست قرار دارد. اینک، نمونه‌هایی از داده‌های تحقیق حاضر جهت تبیین ارائه می‌شود:

نمونه ۱: دانشجو (زن): استاد اجازه هست؟

استاد (مرد): بفرمایید، می‌شنوم.

در نمونه ۱، در پاسخ به کسب اجازه یکی از دانشجویان جهت گرفتن نوبت کلام، استاد عبارت «بفرمایید، می‌شنوم» را بکار می‌برد. این اعطای اجازه که بیانگر کنش گفتاری «پذیرش درخواست» است، تبلور ادب ایجابی استاد است. دلیل اینکه این عبارت ادب ایجابی را نشان می‌دهد این است که استاد با استفاده از این نشانگر زبانی به خواسته‌ها و علائق دانشجو مبنی بر بیان نظر اهمیت داده و با توجه به وجهه ایجابی دانشجو پذیرش درخواست صورت گرفته است. همانطور که پیشتر گفته شد، در بسیاری موارد از جمله نمونه ۱، ادب ایجابی مکمل راهبردهای ادب سلبی است. در اینجا، از یک منظر، کلیت پاره‌گفتار «بفرمایید می‌شنوم» که پاسخ به کسب اجازه است بیان کننده ادب ایجابی است، و از منظر دیگر، پاره‌گفتار حاوی احترام است (به علت احترام بیان شده در واژه «بفرمایید») که راهکار ادب سلبی است. در اینجا به این دلیل که هدف نهایی استاد برای پاسخ به دانشجو، پذیرش درخواست اوست، این پاره‌گفتار، نمونه‌ای از ادب ایجابی در نظر گرفته شده است.

پژوهشگران، دو زبان‌شناس دیگر نیز کدگذاری داده‌ها را بررسی و تأیید نمودند.

راهبردهایی که بیانگر ادب ایجابی هستند از دیدگاه براون و لوینسون (همان: ۱۱۰) عبارتند از:

۱) توجه به علایق، خواسته‌ها و نیازهای مخاطب،
 ۲) اغراق (در علایق، حمایت و همدردی با مخاطب،
 ۳) افزودن بر علاقه و رغبت مخاطب، ۴) استفاده از نشانگرهای میان‌گروهی، ۵) جستن توافق، ۶) پرهیز از مخالفت، ۷) پیش‌فرض / ایجاد ادعای زمینه مشترک،
 ۸) جوک، ۹) بیان یا پیش‌فرض گرفتن اینکه گوینده از خواسته‌های مخاطب مطلع است و آن‌ها را می‌پسندد،
 ۱۰) پیشنهاد، قول، ۱۱) خوشبین بودن، ۱۲) درگیر کردن گوینده و شنونده در یک فعالیت ۱۳) ارائه دلیل، ۱۴) فرض را بر رابطه متقابل گذاشتن، ۱۵) هدیه دادن به مخاطب.

راهبردهایی که ادب سلبی را نشان می‌دهند از دیدگاه براون و لوینسون (همان: ۱۲۹) شامل موارد ذیل می‌شوند:

۱) بیان غیر مستقیم متداول، ۲) سؤال، نشانگر احتیاط،
 ۳) بدبین بودن، ۴) به حداقل رسانی تحمیل، ۵) احترام گذاشتن، ۶) عذرخواهی، ۷) شخصی‌زدایی گوینده و شنونده،
 ۸) بیان کنش تهدیدکننده وجهه به صورت یک قانون عمومی، ۹) اسم‌سازی، ۱۰) بیان آشکار مدیون بودن به شنونده و مدیون نبودن شنونده.

نتایج و تحلیل داده‌ها

به طور کلی، ۲۳۳ مورد راهبرد ادب سلبی و ایجابی در پژوهش حاضر شناسایی شدند، که تعداد ۱۴۵ مورد از آن متعلق به ادب سلبی (جدول ۱) و ۷۸ مورد ادب ایجابی (۲) بوده است.

جدول ۱. راهبردهای ادب سلبی

راهبرد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
بسامد	۲۵	۴۴	۴	۳	۳۵	۳۱	۵	۰	۰	۰
درصد	۱۷/۲	۳۰	۲/۴	۲	۲۴	۲۱	۳/۴	۰	۰	۰

جدول ۲. راهبردهای ادب ایجابی

راهبرد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
بسامد	۲۴	۱۹	۰	۰	۸	۵	۰	۰	۰	۵	۳	۱۳	۰	۰	۸
درصد	۳۰	۲۴	۰	۰	۱۰	۳/۴	۰	۰	۰	۳/۴	۲/۵	۱۶/۵	۰	۰	۱۰/۲

از پانزده راهبرد ادب ایجابی، چهار راهبرد توجه به علایق، خواسته‌ها و نیازهای مخاطب، اغراق، جستن توافق و

داده‌های حاضر دیده شد. در نمونه ۴، جواب یکی از دانشجویان در جهت رد کردن تعارف همکلاسی‌اش شامل ارائه دلیل جهت رد کردن آن است. ارائه دلیل یکی از راهبردهای ادب ایجابی است. از طرف دیگر، اگر نفر دوم با بیان «ممنونم، میل ندارم» به دنبال ناآرام کردن نفر اول باشد، بر اساس نظریه بی‌ادبی کالپپر (۱۹۹۶) «باعث ناآرامی دیگران شدن» از راهبردهای بی‌ادبی ایجابی محسوب می‌شود. با توجه با بافت موقعیتی حاضر که دانشجویان با هم رابطه صمیمانه‌ای دارند و از نظر موقعیت تحصیلی در شرایط مشابهی قرار دارند، ما راهبرد اول یعنی ارائه دلیل را مناسب دانستیم.

۴. جستن توافق

نمونه ۵: دانشجویی نوبت کلام را به دست می‌گیرد و سخنش را با موافقت با دانشجوی قبلی آغاز می‌کند:

دانشجو (زن): «شما درست گفتین».

جستن توافق با ۸ مورد تکرار در داده‌ها چهارمین میزان بسامد را داراست. در نمونه ۵، یکی از شرکت‌کنندگان در جایگاه گوینده به شرکت‌کننده دیگری می‌گوید: «شما درست گفتین». این عبارت رسمی و محترمانه است که بیان‌کننده ادب سلبی است اما از آن جهت ادب ایجابی را نشان می‌دهد که در آن از راهکار «جستن توافق» تبعیت شده است. در موقعیت حاضر که دانشجویی سخنش را با موافقت با دانشجوی قبلی آغاز می‌کند، استفاده گوینده از راهکار «جستن توافق» که ادب ایجابی را نشان می‌دهد، منطقی به نظر می‌رسد.

ادب سلبی: احترام به حریم خصوصی و رعایت

فردیت خود و دیگری

ادب سلبی به توجه گوینده به فردیت خود و شنونده و تلاش وی بر عدم تحمیل از طریق بیان کنش‌گفتار تهدیدکننده وجهه اطلاق می‌شود. همانگونه که از تحقیق حاضر مانند سایر گفتمان‌های رسمی انتظار می‌رفت، میزان استفاده از این نوع راهبردها بیشتر از ادب ایجابی است. در اینجا به پربسامدترین راهبردهای ادب سلبی بکاررفته در داده‌های تحقیق اشاره می‌کنیم که عبارتند از: سؤال/ نشانگر احتیاط، احترام گذاشتن، عذرخواهی.

۱. سؤال/ نشانگر احتیاط یا عبارات احتیاط‌آمیز

نمونه ۶: دانشجو (زن): آیا این آماری که شما دادید دقیق هستند؟

دانشجو (مرد): من واقعا مطمئن نیستم.

از طرفی دیگر، از آن جهت که دانشجو برای شروع صحبتش از استاد کسب اجازه می‌کند و کسب اجازه مصداق راهبرد «به حداقل رسانی تحمیل» است که از راهبردهای ادب سلبی محسوب می‌شود، می‌توان گفت که در نمونه ۱ هر دو مصداق ادب سلبی و ایجابی بکار رفته است.

جهت سهولت طبقه‌بندی، از این پس فقط آن جنبه از پاره‌گفتار که مرتبط با عنوان راهبرد مورد بحث است ارائه می‌شود. لذا در نمونه حاضر، توجه خود را فقط بر پاسخ استاد که در راستای راهبرد «توجه به علایق، خواسته‌ها و نیازهای مخاطب» است، متمرکز کرده‌ایم.

نمونه ۲: دانشجویی در حال صحبت کردن است، اما همهمه‌ای از طرف چند همکلاسی به نشانه مخالفت با ایشان بلند می‌شود. استاد مداخله کرده و دانشجویان را دعوت به صبر تا اتمام سخنان وی می‌کند:

استاد (مرد): (رو به کلاس) دوستان صبر کنید، (رو به دانشجویی در حال صحبت) ادامه بده.

در نمونه ۲، استاد از اقتدار خود استفاده کرده، از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که در حین صحبت کردن همکلاسی‌شان صحبت نکنند («دوستان صبر کنید») و عبارت «ادامه بده» را خطاب به دانشجویی در حال صحبت بیان می‌کند. این دعوت به ادامه دادن توسط استاد، بیانگر «توجه وی به خواسته‌ها و علایق» دانشجو مبنی بر ادامه کلام، بیانگر راهکار ادب ایجابی استاد نسبت به دانشجو است، هر چند بخش دیگر صحبت استاد که متوجه دانشجویان دیگر است حاوی راهبردهای دیگری است که در جای خود بحث می‌شود.

۲. اغراق (در علایق، حمایت و همدردی با مخاطب)

نمونه ۳: دانشجو به استاد: آقای دکتر بسیار بسیار استفاده کردیم امیدوارم باز هم این افتخار رو داشته باشیم که در کلاس شما شرکت کنیم.

اغراق (در علایق، حمایت و همدردی با مخاطب) دومین راهبرد پربسامد مطالعه حاضر است. اغراق در داده‌های حاضر بیشتر در گفتار دانشجویان نسبت به استاد و در کنش گفتاری تشکر و تعریف مشاهده شد.

۳. ارائه دلیل

نمونه ۴: تعارف شیرینی به کلاس

دانشجو (زن): بفرمایید شیرینی

دانشجو (زن): ممنونم، الان میل ندارم

ارائه دلیل به عنوان سومین راهبرد پرکاربرد ۱۳ بار در

حداقل رساندن تهدید احتمالی وجهه سلبی استاد تعریف می‌شود. عبارت «داشته باشم» اندکی بیشتر از «بدهید» در عبارت احتمالی «میشه لطفاً شمارتونو بدید» تهدید وجهه سلبی مخاطب را تلطیف می‌کند (رک. ایزدی، ۲۰۱۸). هر سه راهبرد بکار رفته در این پاره‌گفتار نمود ادب سلبی هستند. نمونه ۹: استاد سؤال چالش برانگیز و انتقادی مطرح می‌کند:

استاد: ما مسلمونا عید قربانو بهم تبریک می‌گیم درسته؟
دانشجویان: بله

استاد: تا حالا دیدی دو تا مسیحی عید قربان رو به هم تبریک بگن؟

یکی از دانشجویان زن: (به آرامی) نه

استاد: (با صدای بلند) چرا ما ولنتاین رو به هم تبریک می‌گیم؟

دانشجوی مرد: دو تا مسئله است آقای دکتر....

در اینجا دانشجو در پاسخ به سؤال چالشی استاد که حاوی نقد رفتار جمعی برخی ایرانیان است با بکارگیری واژه احترام‌آمیز، لقب دکتر را بکار می‌برد که مصداق هم ادب ایجابی و هم سلبی است. ادب ایجابی از آن جهت که توجه به علایق مخاطب و میل به دیده‌شدن و ارج نهاده‌شدن خود، دارایی‌ها و موفقیت‌هایش را می‌رساند. ادب سلبی از آن جهت که نمود احترام است. در این نمونه، سه سؤال بکار رفته است که بر اساس نظریه براون و لوینسون (۱۹۸۷) از راهبرد «سؤال/نشانگر احتیاط یا عبارات احتیاط‌آمیز» استفاده شده است که یکی از راهبردهای ادب سلبی به‌شمار می‌رود. نکته‌ای که در اینجا شایان ذکر است، پاسخ دانشجوی مرد را می‌توان بر اساس نظری بی‌ادبی کالپیر (۱۹۹۶) «دنبال عدم توافق بودن» و در نتیجه بی‌ادبی ایجابی دانست. به عبارت دیگر در بافت حاضر پاره‌گفتار «دو تا مسئله است آقای دکتر...» مصداق بی‌ادبی ایجابی کالپیر است. همانطور که در قسمت بحث و نتیجه‌گیری خواهیم گفت از نظریه کالپیر در تکمیل یا به چالش کشیدن کاستی‌های نظریه براون و لوینسون می‌توان استفاده کرد. ما در اینجا به دلیل محدودیت فضا فقط راهبرد «سؤال/نشانگر احتیاط یا عبارات احتیاط‌آمیز» را نظر گرفته‌ایم.

۳. عذرخواهی

عذرخواهی با ۳۱ مورد تکرار سومین راهبرد پیرسامد تحقیق حاضر است.

نمونه ۹: دانشجویی وارد کلاس می‌شود و به دنبال

در فهرست راهبردهای ادب سلبی ارائه شده توسط براون و لوینسون این راهبرد در جایگاه دوم لیست قرار دارد. اما در داده‌های تحقیق بیشترین بسامد (۴۴) را دارا هستند. در نمونه ۶، عبارت رسمی «من واقعا مطمئن نیستم» توسط یکی از شرکت‌کنندگان استفاده شده‌است. ایشان در مقام گوینده در جواب سؤال یکی از حضار سعی می‌کند بی‌اطلاعی خود را به شکل مبهم بیان کند. او از عبارت مطمئن نبودن استفاده می‌کند تا وجهه همکلاسی‌اش خیلی تهدید نشود. راهکار ادب سلبی بکاررفته در این عبارت «استفاده از نشانگر احتیاط» است.

نمونه ۷: استاد از دانشجو: آیا این روش تدریس گرامر به نظر شما کاربردی است؟

دانشجو: طبق چیزهایی که من خوندم، بله.

در نمونه ۷، دانشجو (زن) در پاسخ به سؤال استاد درباره یک روش تدریس، پاسخش را به عبارت احتیاط‌آمیز «طبق چیزهایی که من خوندم» درباره روش مورد نظر آغاز می‌کند. در واقع دانشجو با بکارگیری این راهبرد خود را از صحت و سقم احتمالی اطلاعات مربوطه دور نگه می‌دارد و بدین ترتیب وجهه ایجابی مخاطب را حفظ می‌کند.

۲. احترام گذاشتن

نشانگرهای زبانی متنوعی در زبان فارسی برای رعایت احترام وجود دارد. احترام در زبان از طریق نشانگرهای واژگانی مانند لطفاً، بفرمایید، یا صور خطاب مانند جنابعالی، حضرتعالی و غیره و یا از طریق نشانگرهای دستوری مانند استفاده از شکل جمع ضمیر و فعل مخاطب تبلور می‌یابد. به گفته بیمن^۱ (۱۹۸۶) این واژه‌های احترام‌آمیز نمادی از روابط فرادستی-فروودستی در سلسله مراتب جامعه ایران است. در تحقیق حاضر ۳۵ مورد راهبرد احترام گذاشتن شناسایی شد.

نمونه ۸: درخواست شماره استاد توسط دانشجو

دانشجو (زن): (خطاب به استاد)، میشه لطفاً شمارتون رو داشته باشم؟

در نمونه بالا، دو عبارت احترام‌آمیز در کنش‌گفتار «درخواست» دانشجو از استاد استفاده شده است که هم در واژه «لطفاً» و هم در شکل دستوری ضمیر جمع مخاطب نمود دارد. همچنین ساختار سؤالی پاره‌گفتار و واژه «میشه» این کنش‌گفتار را در زمره راهبرد «سؤال/نشانگر احتیاط» نیز قرار می‌دهد. نکته ظریف‌تر، خود-شخصی‌سازی ساختار پاره‌گفتار است که در راستای تلاش گوینده در جهت به

مشابه پژوهش حاضر دارد و بیان می‌کند که راهبردهای ادب سلبی پرکاربردترین نوع راهبرد بین دانشجویان برای مخاطب استاد است. از طرف دیگر نتایج پژوهش حاضر معایر نتایج پژوهش آذرپرند (۱۳۹۸) است زیرا آذرپرند معتقد است که ادب ایجابی بیشتر از ادب سلبی در محیط‌های دانشگاهی استفاده می‌شود.

از جنبه نظری، تحقیق حاضر نشان داد که راهبردهای ادب مطرح شده در نظریه براون و لوینسون برای داده‌های فارسی رسمی در کلاس درس کارآمد هستند. اما باید توجه داشت که معمولاً بیش از یک راهبرد را می‌توان به یک پاره‌گفتار اختصاص داد و گاهی در یک پاره‌گفتار، هم ادب سلبی و هم ادب ایجابی نمود دارد (نمونه شماره ۱، ۵، ۹).

نکته‌ای نیز در خصوص مولفه قدرت قابل تأمل است. در نظریه براون و لوینسون فرض بر این است که قدرت یکی از سه عامل تعیین‌کننده در انتخاب نوع راهبرد ادب توسط گوینده است. اما همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، قدرت خود، سازه اجتماعی پیچیده‌ای است و جنبه‌های متفاوتی دارد. در اینجا می‌توان اینگونه تصور کرد که استاد درس، به واسطه دانش بیشتر و صاحب نظر بودن در حوزه موضوعات مورد بحث نسبت به دانشجویان، که برای کسب بخشی از همان دانش در کلاس شرکت کرده‌اند دست بالاتر را دارد اما باید توجه داشت که این قدرت مطلق نیست بلکه نسبی است. از سوی دیگر، دانشجویان را نمی‌توان مطلقاً فاقد قدرت فرض کرد، زیرا آن‌ها نیز منابعی در اختیار دارند که به آن‌ها در تعامل قدرت/اقتدار می‌بخشد. نکته مهم‌تر در ارتباط با ادب این است که همان عواملی که به استاد قدرت می‌دهند، محدودکننده نیز هستند. جایگاه علمی و اجتماعی استاد به همان میزان که اختیارات و آزادی‌های بیشتری در انتخاب‌های زبانی می‌دهد، برای وی «حد» نیز تعریف می‌کند.

بررسی نتایج پژوهش حاضر در رابطه با جایگاه ادب در جامعه می‌تواند اهدافی را به دنبال داشته باشد. یکی از این اهداف در رابطه با آموزش زبان فارسی به فارسی زبانان و غیر فارسی زبانان (آزفا) است. بعلاوه، این یافته‌ها می‌توانند در آموزش زبان‌های خارجی نیز، که مستلزم مقایسه تطبیقی فرهنگ‌ها و سنت‌ها است، مورد استفاده واقع شوند. در پایان، از آنجا که ادب یکی از مؤلفه‌های اصلی ژانر رسمی دانشگاهی و به ویژه کلاس درس است، امیدواریم این تحقیق در شناسایی این مؤلفه مهم در ژانر رسمی دانشگاهی و به‌ویژه در کلاس درس، گامی هر چند کوچک برداشته باشد.

صندلی خالی جهت نشستن می‌گردد. به محض یافتن یک صندلی خالی که کیف دانشجوی دیگری روی آن قرار گرفته است به سمت آن صندلی رفته و می‌گوید:

دانشجو (زن) به دانشجوی دیگر (زن): ببخشید میشه کيفتونو برداريد؟

در نمونه ۹، عبارت «ببخشید» که برای عذرخواهی بکار می‌رود، یک راهبرد ادب سلبی است که در این پاره‌گفتار، گوینده ضمن معذرت‌خواهی از مخاطبش درخواستی کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی راهبردهای رعایت ادب در فارسی رسمی در گفت‌وگوهای کلاس‌های درس بر اساس مدل ادب براون و لوینسون (همان) انجام گرفت. بر این اساس ابتدا مثال‌هایی واقعی از کنش‌های گفتاری فارسی زبانان طی هشت جلسه در برخی مؤسسات آموزشی و همچنین دانشگاه آزاد و پیام نور در بوشهر، آورده شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، تعداد کل راهبردهای ادب سلبی و ایجابی بکار رفته در پژوهش حاضر ۲۲۳ مورد بوده است که ۱۴۵ مورد از آن راهبرد ادب سلبی و ۷۸ مورد، ادب ایجابی بوده است. از پانزده راهبرد ادب ایجابی براون و لوینسون، چهار راهبرد (۱، ۲، ۵، ۱۳) و از ده راهبرد ادب سلبی، پنج راهبرد (۱، ۲، ۴، ۵، ۶) در تحقیق حاضر بیشترین بسامد را داشته‌اند که هر کدام به تفکیک بررسی شده‌اند. ضمن اینکه در تکمیل نظریه براون و لوینسون از راهبردهای بی‌ادبی کالپیر (۱۹۹۶) نیز در برخی قسمت‌ها استفاده شده است.

نتایج حاصل از این داده‌ها مطابق با نظر یول (۱۹۴۷) است مبنی بر اینکه در بسیاری موارد حفظ وجهه معمولاً از طریق ادب سلبی صورت می‌گیرد و رایج‌ترین شکل آن از طریق سؤال است و همچنین ادعای براون و لوینسون (۱۹۸۷:۱۲۹) را تأیید می‌کند که می‌گویند: «ادب سلبی، قلب رفتار مؤدبانه است». خدای مقدم و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود در مورد کارکرد چند واژه مؤدبانه در زبان فارسی به این نتیجه رسیدند که در بیشتر بافت‌های رسمی برای انجام کنش تهدید وجهه از راهبردهای ادب سلبی استفاده می‌شود، در حالیکه در بافت‌های غیررسمی راهبردهای ادب ایجابی بکار گرفته می‌شود. این نتایج نیز با نتایج پژوهش حاضر همسو است. آهنگر (۱۳۹۹) نیز نتایجی

۲. تعداد شرکت کنندگان در این مطالعه به دلیل بیماری کرونا نسبتاً کم بود. این موضوع طبیعتاً نتیجه‌گیری‌هایی را که می‌توان از مطالعه انجام داد محدود می‌کند. بنابراین، تعمیم نتایج نیاز به تأیید بیشتر در سایر زمینه‌ها دارد.

۳. نظریه نقش‌های زبانی ادب کدر و ها (۲۰۱۳) به درستی می‌تواند با سیستم براون و لوینسون ترکیب شود و نقش هر سطح گفتمانی را در کنار راهکار ادبی آن بررسی کند.

در طول تحقیق، پژوهشگران به مواردی از قبیل موارد پراهمیت‌تر، مسائل حل نشده، فاکتورهای قابل بررسی بیشتر و شکاف و محدودیت‌هایی برخورد کرده‌اند که در این بخش ذکر می‌گردد و برای تحقیقات بیشتر پیشنهاد می‌شود:

۱. یافته‌های پژوهش حاضر می‌توانند منجر به درک بیشتر و عمیق‌تر نقش استراتژی ادب به کار رفته در دیگر فضاهای رسمی و غیررسمی شود. این بدین معناست که موقعیت تحقیق می‌تواند از دانشگاه و کلاس درس به محیط‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تفریحی تغییر یابد.

منابع

در نظرات کاربران ایرانی اینستاگرام. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، دوره سوم، شماره ۲، ۲۴-۱۱.

حسینی، سید محمد (۱۳۸۸). ادب و قدرت: نشانگرهای زبانی مخالفت در جلسات دفاع از پایان‌نامه. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱ (۱)، ۷۹-۱۰۰.

دانش، ابراهیم و طوسی نصرآبادی، محمدرضا (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های ادب زبانی در قابوسنامه با استفاده از نظریه ادب براون و لوینسون. *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*، سال ۲۹، شماره ۹۱، ۱۲۹-۱۵۳.

رحمانی، حسین. مدرسی، یحیی. غیاثیان، مریم سادات. زندی، بهمن (۱۳۹۴). ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان. *دوماهنامه جستارهای زبانی*، شماره ۵، ۶۷-۹۰.

شاکری، سپیده سادات (۱۳۹۲). *بازنمایی و توصیف مبانی و راهبردهای رعایت ادب بر اساس متغیر جنسیت در داستان‌های کوتاه فارسی معاصر از دیدگاه کاربردشناسی زبان*. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.

مسیب‌زاده مقدم، کتابون. خوشبخت، طیبه. گوهری، حبیب. ولیدی، شهرام (۱۳۹۸). بررسی فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا در گویش گیلکی رشت با تأکید بر نقش نشانگرهای ادب. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، دوره سوم شماره ۱، ۱۰۲-۸۹.

آذرپند، سهراب (۱۳۹۸). تغییرات راهبرد زبانی خطاب بر اساس نظریه ادب براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۴، ۸۳-۹۸.

آهنگر، عباسعلی. مجاهدی، ستاره. اسفندیارپور، فریبا (۱۳۹۹). بررسی تأثیر قدرت مخاطب بر گزینش راهبردهای ادب در کنش گفتاری نصیحت کردن در زبان فارسی. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، دوره سوم، شماره ۲، ۸۵-۱۰۱.

ایزدی، احمد (۱۳۹۸). کاوشی در وجهه در تعارف ایرانی، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۰، ۱۹/۲، ۶۷-۸۲.

باغبانی، غزل و کریم‌پور، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی چگونگی رابطه بین شاخص قدرت و پدیده‌ی ادب زبانی در روند بازجویی به لحاظ زبان‌شناختی: رویکرد گفتمانی و حقوقی. *پژوهش‌های زبانی*، ۲۰-۱.

خمیجانی فراهانی، علی‌اکبر. برزآبادی فراهانی، داود و بازارمچ حقی، عشرت‌السادات (۱۴۰۰). بررسی راهبردهای کلان و خرد ادب در کتابهای زبان انگلیسی دوران اول و دوم متوسطه مدارس ایران. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، *پژوهش‌های خارجی*، دوره ۱۱ شماره ۴: صفحات ۶۵۵-۶۸۱.

جاوید، سحر و رحیمیان، جلال (۱۳۹۸). بررسی غیبت رسانه‌ای بینافردی با استفاده از نظریه‌های ادب و بی‌ادبی

Afghari, A (2007). A sociopragmatic study of apology speech act realization patterns in Persian. *Speech Communication*. 49, 177-185.

Aliakbari, M., & Moalemi, R. (2015).


Variation of politeness strategies among the Iranian students. *Theory and Practice in Language Studies*, 5(5), 981-988.

Amany, F., Davoudi, M., & Jaghi, M. O. (2014). A corpus-based study on the

- translation of politeness strategies with emphasis on address terms. *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics Words*, 5(1), 502-522.
- Bachman, L. F. (1990). *Fundamental considerations in language testing*. Oxford University Press. Oxford.
- Beeman, W. (1986). *Language, status and power in Iran*. Bloomington: Indiana University Press.
- Brown, P., & Levinson, S. C. (1978). Universals in language usage: Politeness phenomena. In E. Goody (Ed.). *Questions and Politeness* (pp. 56-311). Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, P., & Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, P. (2015). Politeness and Language. *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, 18, <http://dx.doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.53072-4>
- Chomsky, N. (1980). *Rules and representation*. Oxford: Blackwell.
- Culpepper, J. (1996). Towards an anatomy of impoliteness. *Journal of Pragmatics* 25, 349-367.
- Goffman, E. (1967). On face-work: An analysis of ritual elements of social interaction. *Psychiatr: Interpersonal & Biological Processes*, 18(3), 213-231.
- Grice, H. P. (1989). *Studies in the way of words*. Cambridge: Harvard University Press.
- Hymes, D, H. (1967). Models of the Interaction of language and social setting. *Journal of social Issues*, 23(2), 8-38.
- Izadi, A. (2013). Politeness in spoken review genre: Viva voce context. *Pertanika Journal of Social Sciences and Humanities*, 21(4), 1327-1346.
- Izadi, A. (2015). Persian honorifics and im/politeness as social practice. *Journal of Pragmatics*, 85, 81-91.
- Izadi, A. (2016). Over-politeness in Persian professional interactions. *Journal of pragmatics*, 102, 13-23.
- Izadi, A. (2018). Mixed messages in criticisms in Iranian PhD dissertation defences. *Journal of Applied Linguistics and Professional Practice*, 270-291.
- Kádár, D. Z., & Haugh, M. (2013). *Understanding Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Keshavarz, M. H. (2001). The role of social context, intimacy, and distance in the choice of forms of address, *International Journal of the Sociology of Language*, 2001, (148), 5-18.
- Khodaei Moghaddam, M., Elyasi, M., & Sharifi, S. (2017). Describing and analysing some polite words in Persian based on Brown and Levinson's politeness theory. *Journal of Language Research (Zabanpazhuhi)* 10 (22), 25-52.
- Lakoff, R. (1973). The logic of politeness; papers from the Ninth Regional Meeting of the Chicago Linguistic Society. Chicago: Chicago Linguistic Society. 292-305.
- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's place*. New York: Harper and Row.
- Leech, G. (1983). *Principles of Pragmatics*. London: Longman.
- Locher, M. and Watts, R. J. (2005). Politeness theory and relational work, *Journal of Politeness Research*, 1, (1), 9-33.
- Sadeghghli, H., & Niroomand, M. (2016). Theories on politeness by focusing on Brown and Levinson's politeness theory. *International Journal of Educational Investigations*, 3(2), 26-39.
- Sahragard, R. (2000). *Politeness in Persian: A cultural pragmatic analysis*. Unpublished PhD. Dissertation. Leicester University.
- Salmani-Nodoushan, M. A. (2008). Iranian complainers' use of conversational strategies: A politeness study, *Iranian Journal of Language Studies*, 2(2), 187-214.
- Searl, J, R. (1975). Indirect speech acts. In P. Cole, & J. Morgan (Eds.), *Syntax and semantics 3: Speech acts*, (pp. 59-82), New York: Academic Press.
- Terkourafi, M. (2011). From politeness 1 to politeness 2: Tracking norms of im/politeness across time and space. *Journal of Politeness Research*, 7(2), 159-182.

Yarmohammadi, N. (2003). *Politeness strategies in English and Persian in contrast*. Unpublished PhD Dissertation:

Allameh Tabataba'i University.
Yule, G. (1947). *Pragmatics*. Oxford University Press. Oxford.

	<p>COPYRIGHTS © 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0)</p>
---	--